

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت بیستمین سالگرد جمهوری دموکراتیک آلمان

وارثان مانیفست

امیر صلح دمکراسی و ترقی اجتماعی در سراسر جهان بوده است. امیرالایسم تجاوزکار آلمان یکبار بدست امپراطوری هونزولرن و بار دیگر بوسیله نازیسم هیتلری جهان را به آتش جنگ جهانی کشاند. امیرالایسم آلمان هر دو بار شکست خورد ولی زبانهای مادی و معنوی عظیمی بر جای گذاشت که هنوز عواقب آن باقی است. امیرالایستهای امریکائی و انگلیسی که از همان فردای جنگ دوم جهانی دوباره

هفتم اکتبر ۱۹۶۹ بیست سال از عمر جمهوری دمکراتیک آلمان میگذرد. حوادث بیست سال گذشته در آلمان، در اروپا و در جهان این حقیقت را هر بار با قوت بیشتری تأیید کرده است که تشکیل جمهوری دمکراتیک آلمان یک واقعه تاریخی نه فقط برای ملت آلمان بلکه برای

جهاد ضد کمونیستی و ضد شوروی را بره انداختند، باز هم زیر بال امپریالیستهای آلمان را گرفتند و بکمک هم از تشکیل یک آلمان واحد صلحدوست و دمکراتیک جلوگیری کردند و با ایجاد دولت جداگانه آلمان غربی دوباره پایگاه تحریک و توطئه و تجاوز را بر ضد نیروهای صلحدوست، دمکراتیک و مترقی در آلمان و بر ضد صلح و امنیت اروپا تجدید کردند. بر اساس تجربه تلخ دو جنگ جهانی و برای جلوگیری از اینکه بار دیگر از خاک آلمان آتش جنگ جدیدی شعله ور گردد نیروهای دمکراتیک صلحدوست و مترقی آلمان بر رهبری حزب کمونیست و بکمال دنباله در صفحه

تلاش برای احیای «پیمان مرده»

سالیانه وزیران سنتو سر پیچید و ریاست هیئت نمایندگی خود را به سفیر خود در تهران سپرد. دستور جلسات و مذاکرات سری بود. از مذاکرات فقط جزئیاتی همراه با یک اعلامیه نهائی مختصر و مبهم انتشار یافت. بحران خاور میانه، مسئله شط العرب، قبرس، کشمیر و ویتنام از جمله مسائل مورد بحث بود.

دو مشی

در مذاکرات این اجلاس دو مشی جلب توجه میکرد: نمایندگان ایران و ترکیه و پاکستان ضمن تأیید وفاداری خود به هدفهای اساسی پیمان سنتو مثل سالهای پیش هر کدام سعی داشتند پشتیبانی خاص سنتو را از مقاصد خاص خود جلب کنند. ولی ویلیام راجرز و مایکل استوارت وزرای خارجه ایالات متحده و انگلستان بار دیگر دنباله در صفحه ۲

شانزدهمین اجلاس شورای وزیران پیمان سنتو در شرایطی بر گزار شد که خاور نزدیک در آتش بحران میسوخت و رژیم ایران با اقدامات خشن و تحریک آمیز خود این بحران را بسود امپریالیسم جهانی و اسرائیل-افزار تجاوز آن در این منطقه-دامن میزد. شرکت کنندگان این اجلاس با تظاهر به علاقمندی به «صلح و امنیت» خاور نزدیک و میانه در جلسات خود که روزهای ۵ و ۶ خرداد در تهران برگزار شد عملاً صلح و امنیت این منطقه و برای کمک به مقاصد تجاوز کارانه امپریالیستها و محافل جنگ طلب صهیونیست های اسرائیل توطئه می چیدند.

وزیران خارجه ایالات متحده، انگلستان، ترکیه و ایران ریاست هیئت های نمایندگی را به عهده داشتند. دولت پاکستان این بار نیز از فرستادن وزیر خارجه خود به شورای

احیاء سنن انقلاب مشروطیت



حیدر عو اعلی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و تهران انقلاب مشروطیت

مشروطیت طی دوران استبداد خاندان پهلوی چهار بار مورد دستبرد و مسخ قرار گرفته و دنباله در صفحه ۲

بزرگ در دستور روز است

رژیم استبدادی شاه، ناشیانه خود را به کسوت دموکراسی آراسته است. ظواهر دموکراسی بورژوائی که همان مجلسین، روزنامه ها، احزاب و اتحادیه هاست خالی از هر گونه محتوی واقعی به «نمایش» گذارده شده اند. اینها که مصنوع آفریده خود «خدایگان شاهنشاه آراههر» هستند، بجای خدمت ب مردم خدمتگذار مخدوم تاجدار خویشند. این نمایش خنده آور دموکراسی را، صحنه خنده آور تری تکمیل میکند و آن بر گزاری جشن مشروطیت از جانب مقدمین علیه مشروطیت است. شصت و چهارمین سالگرد انقلاب مشروطیت در شرایطی بر گزار میشود، که اثری از مشروطه وجود ندارد. قوانون اساسی دستاورد یکتای انقلاب

شخصیت دکتر مصدق را نمیتوان با اتهام زنی لکه دار کرد

انتشار نام فراماسونهای ایران و به دنبال آن انتشار نام عمال سیا در ایران مدتی است افکار عمومی مردم ایران را بحق بخود مشغول داشته است. البته این حقیقت که امپریالیسم انگلستان بوسیله سازمان فراماسونی و امپریالیسم امریکا بوسیله «سیا» نه فقط به جاسوسی مشغولند، بلکه بویژه بوسیله عمال ایرانی خود بر تمام شئون اقتصادی و سیاسی و نظامی ایران مسلط اند و از این راه سیاست امپریالیستی خود را بر ضد مصالح مین ما از پیش میبرند برای مردم ایران تازگی ندارد. ولی جالب و مهم آنست که تناقضات امپریالیستی که گاه بگاه از پرده بیرون میافتد موجب میشود که مردم ایران از دنباله در صفحه ۵

سرمایه داری ایران

چهره زشت خود را نشان میدهد

ایران بابت و تاب در راه سرمایه داری پیش میرود. با آنکه متملقان رژیم سعی دارند ایرانشرا نوعی کشور «سوسیالیسم اعلیحضرتی» معرفی کنند و حتی نویسندگان «ندای ایران نوین» ارگان حزب دولتی می کوشند تا با گستاخی مفاهیم، اصطلاحات و تعاریف مارکسیستی را بی کسم و کاست در خدمت «منویات ملوکانه» قرار دهند، ولی با هیچ بزک لفظی، سیما نازیبا غولی که در ایران تن پروار میکند و قوه میگیرد، نهنفتنی نیست. در ایران سرمایه داران و زمین داران بزرگ، در پیوند بسیار نزدیک با سرمایه داری امریکا و اروپای غربی و ژاپن، بسر کردگی خاندان پهلوی مشغول تاراج بی

دنباله در صفحه ۳

بیست و پنج سال تکامل آزاد جمهوری توده ای بلغارستان

نهم سپتامبر ۱۹۴۴ صفحه تازه ای در تاریخ زندگی مردم بلغارستان گشود. ارتش شوروی در تعقیب سربازان هیتلری وارد این کشور شد، به تسلط خونین فاشیسم پایان داد و مردم بلغارستان کمک کرد پایه های زندگی آزاد خود را بگذارند. در این روز دومین پیوند عمیق دوستی بین خلقهای شوروی و مردم بلغارستان زده شد. فرزندان سربازانی که در نیمه دوم قرن گذشته به بردگی یانصد ساله بلغارستان پایان داده بودند این بار نیز بکمک آن شتافتند تا دیو خونین فاشیسم را از آن برانند.

تاریخ بلغارستان تاریخ مبارزات خونین و پر شور ملت است که هیچگاه تسلیم زور دنباله در صفحه ۵

رژیم شاه بار دیگر در کردستان بیداد میکند. قریب صد نفر شهید و هزار تن زندانی - اینست ترازنامه آخرین تاخت و تاز رژیم در کردستان. زنده باد مبارزان دلیر خلق کرد که در برابر این بیدادگری مردانه پایداری میکنند!

دنباله از صفحه ۱

تلاش برای احیای «پیمان مرده»

تصریح کردند که اعتبار سنتو و علت وجودی آن همانست که این پیمان تجاوز کار را چهارده سال پیش بنام «پیمان بغداد» شالوده ریخت و عبارت دیگر این کشور های امپریالیستی آمریکا و انگلیس نیستند که باید از هدفها و مقاصد محلی اعضای خود در منطقه خاور میانه پشتیبانی کنند بلکه دول محلی عضو این پیمان موظفند از هدفهای اساسی استراتژی امپریالیسم در این منطقه بی چون و چرا پیروی کنند و سیاست خود را در جهات مختلف با آن تطبیق دهند. و اما هدفهای اساسی سنتو که بدست امپریالیسم آمریکا و انگلیس شالوده ریزی شده (اگر چه امپریالیسم آمریکا بعلل معین از قبول عضویت رسمی آن پرهیز دارد) همانست که حزب توده ایران بارها آنرا افشاء کرده است. این هدف ها عبارتند از: ۱- ایجاد پایگاه تجاوز علیه اردو گاه سوسیالیستی و در درجه اول علیه اتحاد شوروی با استناد به دعوی کدناشی «خطر تجاوز از شمال».

۲- جلوگیری و سرکوب جنبش های آزادیبخش ملی در خاور نزدیک و میانه و ۳- ایجاد تکیه گاه برای غارت ثروت های نفتی این منطقه. پیمان سنتو حلقه واسطه تجزیر بلوک های تجاوز کار را در غرب و در آسیای جنوب شرقی تکمیل کرد.

پیمان شاه و

زنده شدن پیمان مرده

مقامات رژیم برای توجیه شرکت ضد ملی در پیمان سنتو بطوریکه میدانیم سالها شرح موهوم «تجاوز از شمال» را عنوان میکردند مدعی بودند که سنتو فقط جنبه دفاعی دارد. ولی پیمان سنتو در طول چهارده سال موجودیت خود بر خلاف دعوی محمد رضا شاه ماهیت خود را نه بعنوان یک «دستگاه دفاعی» بلکه بعنوان افزار تجاوز و تشدید تشنج و بحران در خاور نزدیک و میانه و در نقش ژاندارم جنبش آزادیبخش ملل این منطقه سال بسال بیشتر نمودار ساخت. طی این سالها واقعات انکار ناپذیر ثابت کرد که خطری که ایران را تهدید میکند از جانب شمال نیست بلکه از جانب همان نیرو هائی است که سنتورا آفریده و بر سر پا نگاهداشته اند. از جانب شمال نه تنها هیچگونه خطری متوجه ایران نیست بلکه صدیقترین و نیرومند ترین دوست ایران از آنجا دست یاری بسوی مردم ایران دراز کرده است.

سیاست پیگیر صلح و دوستی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و مجاهدات آنان در راه پایان دادن به «جنگ سرد» و کاهش وخامت اوضاع جهان و تأمین صلح جهانی سرانجام زمامداران ایران را وادار ساخت اعتراف کنند که پیمان سنتو دیگر «با مقتضیات دوران و روح زمان وفق نمیدهد». طی چند سال اخیر مقامات رژیم بارها به بی ارزش بودن شرکت در سنتو اشاره

کرده اند. شاه پیمان سنتو را «باشگاه گفگو» «پیمان بی دندان» و حتی «پیمان مرده» نامید.

ولی در چند ماه اخیر و بخصوص در آستانه شانزدهمین اجلاسیه وزیران سنتو ناگهان مرده زنده شد و شاه ضمن پیام خود به شورای وزیران سنتو «از تحول تازه ای که در فعالیت های پیمان وجود آمده است» با خرسندی تمام استقبال کرد و گفت «ما به همکاری صمیمانه خود با دوستان هم پیمان خویش ادامه میدهم». و اما «تحول تازه» ای که معجزه احیای اموات از خود نشان داده چیست؟ این «تحول تازه» همانست که راجرز ضمن نطق خود در اجلاسیه سنتو فاش ساخت. در همانحال که زمامداران ایران از فعالیت های عظیم اقتصادی سنتو سخن میگفتند و برای گمراه ساختن اذهنان میکوشیدند جنبه نظامی سنتو را تحت الشعاع «جنبه اقتصادی» آن قرار دهند راجرز ضمن سخنرانی خود در قالب یک عبارت کوتاه حاق مطلب را شکافت و گفت: «در سنتو آنچه که مورد توجه ماست مشکلات مربوط به خاور

میانه و خاور دور است». عبارت دیگر راجرز فهماند که آمریکا یعنی همان «دندان سنتو» این پیمان را نه بخاطر «فعالیت اقتصادی» آن بلکه فقط بعنوان افزاری برای پیشبرد هدفهای تجاوز کارانه تا کیک و استراتژیک امپریالیسم در خاور میانه و خاور دور لازم دارد و تمام حرفهای دیگر در این زمینه مفت است. زاهدی هم ضمن نطق خود با استقبال «بابا بزرگ» سنتو و رژیم موجود ایران شتافت و گفت «مفاهیم اصلی و اساسی سازمان پیمان مرکزی همچنان صادق و معتبر است و احتیاط و دور اندیشی بما حکم میکند که همواره هشاری و آمادگی خود را حفظ کنیم و به همکاری خویش با دوستان هم پیمان خود ادامه دهیم». و اما «مفاهیمی» که رژیم ایران را به ادامه همکاری با دوستان هم پیمان (یعنی در درجه اول امپریالیسم آمریکا) متعهد میسازد همان هدفهای سه گانه است که در بالا بان اشاره کردیم.

مفهوم «ثبات و امنیت»

در قاموس زمامداران

ایران

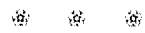
یکی از مهمترین مسائلی که نمایندگان ایران در اجلاسیه اخیر سنتو بان پرداختند مسئله خلیج فارس و سرنوشت کشورهای این منطقه پس از باصلاح تخلیه آن از نیرو های انگلیسی بود. مذاکرات در این زمینه کاملاً سری و محرمانه گذشت و تقریباً هیچ نکته اساسی روشن کننده ای درباره آن در جراند انتشار نیافت. اردشیر زاهدی این مطلب را ضمن سخنرانی خود در پرده ای از مه غلیظ پوشاند و ضمن اشاره به تغییرات و تحولات چهارده سال اخیر و ضرورت همگامی با این تحولات گفت شرایط نوین «فرصت ها و زمینه های تازه ای برای همکاری بیشتر و وسیعتر بما داده است». خبرگزاری آسوشیتد پرس پرده ابهام از روی گفته های

زاهدی برداشت و با استناد به قول منابع دولتی ایران صاف و ساده خبر داد که ایران در این اجلاسیه «به ایالات متحده و دیگر متحدانش در سنتو هشدار خواهد داد که رژیم چپی در عراق خطر جدی برای ثبات و امنیت خلیج فارس بشمار میرود». بدینسان بار دیگر روشن شد که «ثبات و امنیت» که زمامداران ایران بان میبایند در قاموس آنان چه مفهومی دارد. هر وقت حکومت های کشورهای همسایه ایران با امپریالیسم و با نقشه ها و عملیات تجاوز کارانه آنان در خاور نزدیک و میانه قطع پیوند می کنند و راه استقلال سیاسی و اقتصادی در پیش میگیرند رژیم ایران «ثبات و امنیت» خود را در معرض خطر می بیند و شیور های خود را برای جلب یاری حامیان امپریالیست خود به صدا در میآورد. علت آن هم روشن است.

سنتو و جنبش

توده ای در کردستان

زمامداران ایران علیرغم دعوی «ثبات» رژیم موجود نیک میدانند که دوام این «ثبات» در برابر جنبش مردم چه اندازه است. آنها این جنبش را بنام «بلوا» و «آشوب» و «هرج و مرج» خاص کشور های دیگر جلوه میدهند و در تبلیغات خود چنین وانمود میسازند که گویا در داخل ایران هیچ جنبشی در میان مردم علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی وجود ندارد و حال آنکه مردم علیرغم خطرات فراوان در سراسر ایران از هر فرصت و امکائی برای ابراز خشم و بیزاری خود از خصلت ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم استفاده می کنند. در کردستان جنبش توده ای میهن پرستان با وجود کشتار بیرحمانه مجاهدان کرد متوقف نمیشود. تا کنون در خیمان رژیم دهها تن از این مجاهدان را بخاک هلاک افکنده اند و هزاران نفر را زندانی کرده اند. ادامه جنبش در کردستان مقامات رژیم را سخت به هراس انداخته است و تردید نیست که در اجلاسیه اخیر سنتو نمایندگان ایران این مسئله را مطرح ساختند و از کمیته باصلاح «ضد تخریب» سنتو خواستار کمک های باز هم بیشتری برای سرکوب جنبش در کردستان شده اند.



باوجود تلاشهایی که گردانندگان سنتو برای احیای مرده سنتو بعمل میآورند همانگونه که سنده مصوب کنفرانس احزاب گمونیست و کارگری در مسکو تصریح کرده است: «تضاد های میان امپریالیستها تنها در عرصه اقتصاد بروز نمی کند. ناتو دستخوش بحران جدی است. شیرازه بلوک های تجاوز کار سنتو و سنتو که در آسیا ایجاد شده اند از هم می پاشد... این امر سیستم جهانی امپریالیسم را تضعیف میکند و نقشه های هژمونی طلبانه امپریالیسم آمریکا را مختل میسازد».

سنتو آینه ندارد و زندگی دیر یازود آنرا به زباله دان تاریخ خواهد انداخت.

پ. پرتو

دنباله از صفحه ۱

احیاء سنن انقلاب مشروطیت

در دست دشمنان آزادی به ورق پاره ای بدل شده و حقوق انسانی مردم عملاً حرف بوج است. بقول امیرانی مدیر خواندنیها از مشروطیت «شروط» آنرا برداشته و تنها «میت» آن برجای مانده است.

انقلاب مشروطیت که بزرگترین حادثه تاریخی میهن ما در قرن اخیر است، چنانچه رشد طبیعی خود را میبیمود، میتوانست در تکامل ۶۴ ساله خود به آزادی قطعی خلق ایران منتهی گردد. ولی امپریالیسم و ارتجاع در راه رشد این کودک نو پا چنان موانعی بوجود آوردند که امروز آنچه بنام مشروطیت باقی است، کمترین نشانی از مشروطیت باخود ندارد. انقلاب مشروطیت شاه مستبد قاجار محمد علیشاه را مجبور کرد تا برخی آزادیها و حقوق مردم را برسمت بشناسد. امروز

۶۴ سال پس از آنهمه جانبازیها و بریبیها و باوجود تغییرات و تحولات شگرف جهان هنوز مردم بلاکشیده ایران مجبورند در همان عرصه های مبارزه کنند و قربانی دهند که پیکار جویان انقلاب مشروطیت مبارزه کردند و قربانی دادند. هنوز شعار مبارزه برای تحصیل آزادیهای دموکراتیک شعار مرکزست، زیرا استبداد محمد علیشاهی را، استبداد محمد رضا شاه جا نشین شده است. آنروز مجلس نبود و اراده شاه و امپریالیسم حکومت میکرد، امروز مجلس هست و آلت بی اراده شاه و امپریالیسم است.

آنروز مردم حق تشکیل حزب و جمعیت نداشتند، امروز فقط حق شرکت در احزاب شاهانه را دارند. آنروز حق بیان عقیده از مردم سلب شده بود، امروز هم هر صاحب عقیده ای را کفیر حبس و مرگ میدهند. آنروز باغشاه مرکز حبس و بند و شکنجه و آزار مخالفان محمد علیشاه بود، امروز زندانهای قصر، عشرت آباد، جمشیدیه، قزل قلعه، حشمتیه و زندانهای کردستان آذربایجان، شیراز، اصفهان، بندرعباس و خارك با قساوتی شدیدتر و متدهائی تکامل یافته تر مخالفان محمد رضا شاه را عذاب می دهند. گروه گروه مبارزان حق طلب به اتهام واهی «اقدام علیه سلطنت مشروطه» بدست مأموران سازمان امنیت شاه دستگیر و زندانی و محکوم بر گ می شوند، در حالیکه مقدم واقعی علیه مشروطیت شخص شاه است زیرا دستبردهائی که او برای تحکیم قدرت خود و مواضع امپریالیسم به قانون اساسی زده، بزرگترین اقدام علیه مشروطیت و قانون اساسی بوده است.

برای مبارزه با متمدن علیه مشروطیت و در رأس آنان شاه، باید جنبش وسیعی از مردم بوجود آید تا ایامال کنندگان قانون اساسی را مجبور سازد لااقل آزادیهای مصرح در قانون اساسی را برای مردم برسمت بشناسند، مردم بتوانند در احزاب و سندیگاه های ملی متشکل شوند و برای احیاء

دنباله از صفحه ۱

سرمایه داری ایران

سرمایه داری تمام تب و تابها و رعشه‌های مقدس مذهبی و عواطف رمانتیک را در آبهای یخزده محاسبات تجارتي خویش غرق میکند و فقط يك رابطه در میان باقی میگذارد و آنهم رابطه پول نقد است.

سرمایه داری در ایران با تقلید از شیوه زندگی امریکایی هم‌راه است. تمدن سرمایه داری امریکا از پارتهای شهنشاهی بر روی چمنهای افریقایی تا گانگسترسم متشکل، از هروین و ماری‌ژوانا و «هیپی» گرفته تا اندیشه های سفسطه آمیز «والث روستو» و «هربرت مار کوزه» را برای ما ارمغان آورده است. مستشاران و مأموران امریکایی، فیلمهای امریکایی، آداب شوم این «دژ شیطان زرد» را به کشور ما سرایت میدهند. تمدن ایران که میتوانست از راه سالم و خردمندانه و عادلانه‌ای باقی گرفتن از گذشته پرشکوه خویش گام بردارد، اینک در جاده ردیالنه، ناسالم و بیخردانه‌ای افتاده است.

این مسئله را نباید آنطور که بعضی از مؤلفان ایرانی عنوان کرده‌اند به غرب زدگی تعبیر کرد. نقادان مفهوم غرب زدگی در کشور ما اخیراً بدستری متذکر شده‌اند که تمدن بشری را به شرقی و غربی نمیتوان تقسیم نمود زیرا تمدن غرب در سراسر تاریخ بسی از شرق مایه گرفته و تمدن شرقی نیز سخت از تمدن غربی متأثر است. مطلب را باید در کادر سرمایه داری و سوسیالیسم فهمید. اصل مطلب در اینجاست که جامعه‌های

معاصر بشری چگونه باید تنظیم شوند که در آن عدالت اجتماعی حکمفرما باشد. این تضاد موحش فقر و ثروت، حرمان و امتیاز، فرماندهی و فرمانبری که در ایران روز بروز شدید تر میشود، در آن دیده نشود. سرمایه داری ایران هم اکنون در قبال مسائل مهمی مانند تأمین شغل و کار برای همه، تربیت کادر فنی و علمی، ایجاد سطح زندگی بنایسته‌ای برای مردم در مانده است. باید توجه داشت که پس از ۵۰ سال استقرار سرمایه داری، تنها تعداد کمی از جوامع سرمایه داری ریشه‌پایته اروپای غربی و امریکا توانسته‌اند بپروژه از راه غارتگری راهزانه دنیا و بهره‌جویی از جنگهای جهانی خونین متمول شوند، صنایع رشد یافته و سطح مصرفی بالایی را بوجود بیاورند. نمایان این جوامع سعی دارند با توسل بزرگ و برق کاهنهایی که از غارت مکتبه‌های محقق افریقایی و آسیایی ساخته شده‌است، چنین جلوه گر سازند که گویا سرمایه داری بعنوان يك نظام اجتماعی می‌تواند انسان را خوشبخت سازد. این دروغی بیش نیست.

حتی نمونه ایالات متحده امریکا این صعبه و قله سرمایه داران که در آن بقول آگنیس امریکایی «هر نیکن» (در کتاب «امریکا دیگر») «قریب ۴۰ میلیون نفر چهار فقر کاملند نشان میدهد که سرمایه داری «قلب» فاقد عدالت فاقد احساس و خرد است. این سرمایه داری وقتی بصورت مدل

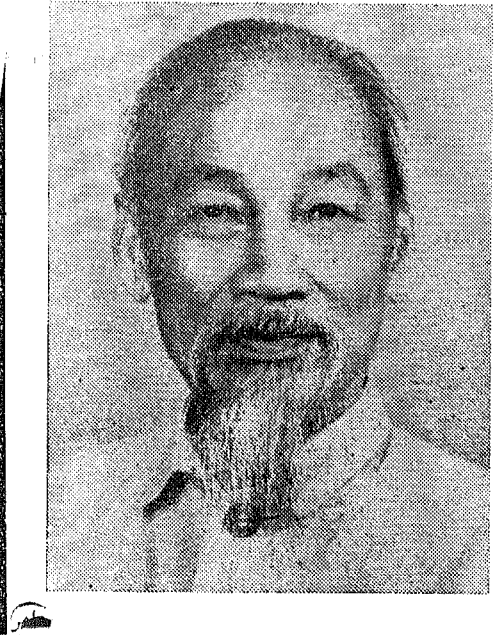
ایرانی آنهم متوج به تاج سلطنت استبدادی در آید تکلیفش روشن است. انوقت است که مثلاً در مدتی کوتاه چنانکه زمانی الوتی وزیر اسبق دادگستری افشاء کرد باندازه دو برابر تمام بودجه کشور دزدی و اختلاس میشود. انوقت است که پس از نیم قرن که از پیروزی بورژوازی ایران گذشته، هنوز اولیه ترین مسائل اجتماعی حل نشده مانده است و حل آن در افق نیز مشهود نیست.

وجدان جامعه ما از محیطی که در کشور حکمرواست، از محیط سود ورزی، از محیط جاسوسی و خبر چینی، از محیط فساد و بی بند و باری، از محیط دزدی و تقاب و دروغ، از محیط فقدان امنیت برای شرف انسانی رنج میرد. این رنج روحی در همه جا خود را نشان میدهد. نه جمله پردازیهایی کسانیکه میخواهند «سوسیالیسم اعیاضرتی» درست کنند و میخواهند ثابت کنند که شاه این مظهر اشرافیت و سرمایه داری گویا رهبر انقلاب دموکراتیک و ملی است (۱) نه عوام فریبهای احساساتی شهبانوی «قلب طلائی» نه بوق و کرنا در باره مدلهای سرمایه داری غرب این واقعت شوم را نمیوشاند. درد جامعه ما تنها مربوط به بودن یا نبودن کارخانه‌ها، سدھا، ایستگاههای برق، و شناگاه و استا - دیوم نیست؛ تردیدی نیست که برای ترقی جامعه ما همه اینها کاملاً لازم است ولی بالاتر و مهمتر از همه امنیت و عدالت اجتماعی لازمست. در جامعه راهزنان، مردم زحمتکش کارگران و دهقانان و پیشه‌وران و کارمندان و روشنفکران که کوه عظیم ستم و فساد جامعه بردوشهای خسته آنها فشار می‌آورد احساس امنیت نمیکند. آری نه تنها ترقی، بلکه ترقی همراه با عدالت اجتماعی.

امروز دیگر آنروز نیست که انسان سر نوشت خود را مقدر شمرد و تسلیم آن شود هر ملتیی که بشیوه خود بخاطر اصلاح سر نوشت خویش نبرد کرد، سرانجام چیزی بدست آورد. نباید گذاشت ایران در جهنم آرزو شوت مشتئ امتیاز طلب بسوزد. مین ما که زمانی پیامهای دل انگیزی به بشریت داده اینک نیز باید با پیام جان بخش خود بار دیگر بر عرصه آید و این پیام نیز پیام عدالت اجتماعی، صلح و ترقی چیز دیگری باشد. مفهوم عدالت اجتماعی در روزگار ما روشن است. جامعه‌ای عادلانه است که در آن کار خلاق و مولده بازو و مغز انسانی معیار ارزشها باشد نه مهارت در خدعه گری و زور گوئی و چاپلوسی. چنین جامعه‌ای را جامعه سوسیالیستی مینامند. سوسیالیسم بمعنای اصیل کلمه بیش از پیش باید آل اجتماعی بدل می شود و نباید تردید داشت که این ایده آل که بسیاری از اجزاء آن مانند انسان دوستی و حق پرستی باشکال مختلف در سراسر تمدن کهنسال ماریشه دارد سرانجام درفش ظفر مند خود را در سرزمین ما باهتزاز در خواهد آورد و مردم مین ما از طریق بر چیدن بساط رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی و استقرار يك حکومت ملی و دموکراتیک دروازه‌های تاریخ را بسوی آن جامعه عادلانه خواهند گشود. ا. س.

بخشی از «مردم» زیر چاپ بود که خبر مرگ هوشی مین انتشار یافت.

هوشی مین فرزند کبیر خلاق و پشام، مین پرست پر شور، انقلابی بزرگ، کمونیست نامدار، کسی که تمام زندگی آگاهانه خود را وقف نجات مین از چنگال امپریالیست های ددمنش و پیروزی صلح، دمکراسی و سوسیالیسم کرد، مردی که نامش مظهر مقاومت در برابر تجاوز امپریالیستی و مبارزه در راه آزادی و استقلال ملی شد، انسانی که پیکار در راه آرمانهای عالی کمونیستی وی



را بیکی از برجسته ترین رهبران جنبش جهانی کمونیستی تبدیل کرد، از میان ما رفت. مرگ او ضایعه بزرگی برای خلق قهرمان و پشام، جنبش جهانی کمونیستی، جنبش آزادی بخش ملی و همه بشیرت مترقی است. ولی نام هوشی مین، زندگی او، مبارزه او، آموزش او، سرمشق او، الهام بخش همه مبارزان راه آزادی و استقلال، صلح و دمکراسی و سوسیالیسم در و پشام و در سراسر جهان خواهد بود.

ما پرچم انقلابی خود را در برابر او به احترام فرود می‌آوریم و خود را در اندوه بزرگ خلق و پشام و حزب زحمتکشان و پشام شریک میدانیم. در شماره آینده «مردم» بتفصیل در باره هوشی مین پیشوای کبیر و خلق و پشام و رهبر برجسته جنبش جهانی کمونیستی سخن خواهیم گفت.

دنباله از صفحه ۲

احیاء سمن انقلاب مشروطیت

حقوق صنفی و سیاسی خود مبارزه کنند، روزنامه‌ها به مدافعین حقوق خلق بدل شوند، عدالت قضائی حاکم گردد و شکنجه‌گاه‌های سازمان امنیت و دادگاههای مخفی نظامی برچیده شوند. موفقیت در راه ایجاد چنین جنبش متحدی، مهمترین گام برای بسط و تعمیق مبارزات مردم در راه تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی است از اینجاست که در سمن مهم حزب ما «تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظائف مردم ما» مصوب پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی گفته میشود:

«در صورتیکه حزب توده ایران و سایر سازمانهای ملی و دموکراتیک موفق شوند که توده‌های مردم را دور این شعار گرد آورند، و آنها را بمبارزه متشکل و متحد برای تحصیل آزادیهای دموکراتیک سوق دهند، بنحوی که دولت مجبور شود لااقل آزادیهای مصرح در قانون اساسی ایران را رعایت نماید، ناگزیر یکی از دوپایه رژیم کنونی، دچار تزلزل جدی میشود و ناچار زمینه را برای مبارزات ملی و دموکراتیک دیگر در جهت تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور میگشاید.»

در سند اصلی کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری منعقد در

مسکو نیز به وظیفه مهم مبارزه در راه احیاء آزادیهای دموکراتیک از جهت مصالح مبارزه علیه امپریالیسم توجه خاص شده است:

«مصالح مبارزه علیه امپریالیسم که می‌کوشد آزادیهای اساسی انسان را سرکوب کند ایجاب میکند که برای دفاع و احراز آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات، سازمان و برابری حقوق همه افراد و استقرار دموکراسی در همه جوانب حیات اجتماعی مبارزه خسته‌کننده ناپذیری انجام شود. باید برای عقیم گذاردن تلاشهایی که ارتجاع بشیوه‌های گوناگون و از جمله از طریق وضع قوانین ضد خلقی بعمل می‌آورد تا حقوق و آزادیهای دموکراتیکی را که در جریان نبردهای سر - سخت طبقاتی بکف آمده بهیچ بدل سازد به مبارزه‌جویی برخاست.»

حزب ما با اعتقاد راسخ به ضرورت ایجاد جبهه واحدی از نیروهای ملی و مترقی برای مبارزه در راه حقوق و آزادیهای دموکراتیک، بی‌وسه از وحدت نیروها را یاد آور شده است. اکنون نیز بار دیگر از کلیه احزاب و سازمانها دعوت میکند برای مبارزه با مقدمین علیه مشروطیت و بخاطر تأمین حقوق دموکراتیک مردم در جبهه واحدی گرد آیند. تنها نیروی متحد مردم است که میتواند دست تجاوز کار ارتجاع و امپریالیسم را از حقوق مردم باز دارد.

مینو

بما مینوسید

یکی از کارگران کارخانه «لیاند موتور» در محوطه کارخانه دست بخودسوزی میزند، کارفرما این کارگر جوان را که دارای زن و بچه است اخراج کرده بود و وزارت کار در پاسخ اعتراض او گفته بود بروید سرکار، ولی موقیمکه کارگر سرکار باز میکرده مواجه با مشتها و لگد های کار فرما میشود و با وضع توهین آمیزی از محوطه کارخانه اخراج میگردد. کارگر اخراجی که میبینه هیچ مرجعی از او حمایت نمیکند دست بخود سوزی میزند.

پیش از چندین ماه است که کارگران اداره آبادانی و مسکن زاهدان حقوق خوراک نگرفته اند و شکایت آنها نیز بجائی نرسیده و آواره و گرسنه در خیابانهای زاهدان سرگردانند.

کارفرمای کارخانه سرامیک ایران مدت سه ماه است که ۲۰۰ نفر از کارگران را اخراج نموده و شکایت کارگران نیز بجواب مانده است.

کارگران کوره پزخانه های تهران بعد از مبارزه طولانی موفق شدند قراردادی بنهاند تا بتوانند از بیمه های اجتماعی استفاده کنند، ولی با آنکه پول بیمه از آنها کسر میشود هنوز بیمه نشده اند، کار فصلی است و حد اقل حقوق نیز مین نشده است، در بین آنها کارگر ۵ ساله تا ۹۰ ساله دیده میشود، در کوره ها از وسائل ایمنی خبری نیست و اکثریت مطلق کارگران بدون مسکن هستند.

پلیس یکی از طووفان را که در میدان غار دستگیر کرده بود و پول نداشت تا جرمه بپردازد به بیمارستان سینا برد تا بجای پول خون او را بگیرند، در بیمارستان بیشتر از یک لیتر از او خون گرفتند. مرد بیوا بوضع وخیمی دچار شده است.

مأمورین سازمان امنیت چندین ماه است که دو نفر دانشجوی ریاضی را از خانه هایشان ربوده اند و هیچ خبری از آنها نیست.

دانشجویان یکی از کلاسهای دانشکده حقوق در سر کلاس درس های آموزش نظامی از سروان، استاد این درس میخواهند که بجای درس نظامی، کتاب انقلاب سفید را بخواند تا آنها قدری بخندند، سروان بجای اینکه بدرخواست دانشجویان توجه کند، با تلفن کمک میخواهد و بلافاصله سرهنگی با یک کامانکار پر از سرباز وارد دانشگاه میشود. سرهنگ مزبور بعد از داد و فریاد زیاد یکی از دانشجویان را کتک زده و بکمک مأمورین او را بماشین انداخته میرد.

چند ماه پیش آزموده که به آیشن ایران معروف شده است برای بازدید به خرمشهر رفته بود در هنگام بازدید از اسکله خرمشهر، وقتی که متوجه لباس مجلسی عربها میشود، که با تفاق کارگران ایرانی مشغول

«شعله جنوب» منتشر شد

شماره تیر ماه «شعله جنوب» ارگان تشکیلات خوزستان حزب توده ایران علیرغم فشار و اختناق انتشار یافت. در سرمقاله این شماره روز های تاریخی سیام تیر و بیست و هشتم مرداد بمشابه روز های پیروزی و شکست ارزبایی شده است: «سیام تیر حاوی درسهای از انجناد و پیروزی است و ۲۸ مرداد بعنوان روز سیاهی که نیرو های ضد خلق بر سر مردم تاختند، حاکمیت خلق را غصب کردند و باز برای مدتی بساط اختناق و فشار، استعمار و استبداد، غارت و چپاول را در سراسر ایران گسترده متضمن درسهای عبرت انگیزی از تفرقه و شکست است. شعله جنوب طی خبری که در جای برجسته ای طبع شده شرکت هیئت نمایندگی حزب توده ایران را بریاست رفیق رادمنش، دبیر اول حزب و عضویت رفقا ایرج اسکندری و احسان طبری خبر داده و متذکر شده است که متن کامل نطق رئیس هیئت نمایندگی ایران در ایران تکثیر و در دسترس رفقای حزبی قرار گرفته است. شعله جنوب مینویسد: «وظیفه رفقاست که پس از خواندن این نطق هموطنان آزادبخواه و مترقی را در جریان مطالب آن بگذارند. سپس این روزنامه طی مقاله دیگری تحت عنوان: «اجتماعی بزرگ در میهن

کار بودند، میبیرسد اینها کیستند، میگویند عرب اند. آزموده عصبانی میشود و فریاد میزند، اینجا جای عرب نیست، و دستور میدهد فوراً دستمال سر آنها را بردارند. از آن بیعد کارگران عرب مجبورند صبحها «چی اگال» خود را بدیشان بدهند و عصرها بگیرند. این امر خشم کارگران ایرانی و عرب را برانگیخته است.

۵۰۰ نفر از سربازانی که اخیراً بخرمشهر آورده شده اند، در اثر خوردن غذای فاسد مسموم شده و آنها را بیمارستان پهلوئی فرستاده اند، دو نفر نیز هنگام کندن زمین بعلت مار زدگی فوت کرده اند.

دانشجویان سیاهی یادگان کرج دو بار بر اثر بدی غذا اعتصاب غذا نمودند، و از سالن غذا خوری خارج شدند. وقتی که امرای ارتش متوجه شدند که دانشجویان معصم هستند اعتصاب خود را ادامه دهند و از تهدیدها نترسند و خواهشها نیز بی نتیجه است قول میدهند که بخواست آنها توجه کنند و برنامه سه غذائی بخواست دانشجویان تهیه شود و این برنامه سه غذائی در تمام یادگانها و اردو های کشور عمومیت پیدا کرده است.

در یادگان چی دانشجویان در اثر بد رفتاری فرماندهان و کتک زدن آنها، بعنوان اعتراض از رفتن بسر کلاسها خود داری کردند و اعلام اعتصاب نمودند. مأمورین ۴۲ نفر را دستگیر و بزندان دژبان فرستادند تا بعد از محاکمه آنها را بسرباز عادی تبدیل کنند و بسرباز خانه ها بفرستند.

بین پلیس و کارگران شرکت واحد که بقصد اعتراض به حق کشیها جلوی بستخانه جمع شده بودند تصادمی رخ میدهد و عده ای دستگیر میشوند. کارگران اجرای قانون کار و بیمه های اجتماعی را طالب میکنند.

لنین» جریان کنفرانس تاریخی احزاب برادر در مسکو را تشریح کرده است. شعله جنوب در این مقاله بخشهای حساسی از سخنرانی مهم رفیق برژنف را خلاصه میکند و نیز نکاتی از سخنان رئیس هیئت نمایندگی ایران رفیق رادمنش را در باره ضرورت وحدت و اوضاع کشور نقل مینماید و سپس مینویسد: «تشکیلات خوزستان حزب توده ایران ضمن ابراز رضایت و شادمانی عمیق خود از تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری منعقد در مسکو و تهنیت به همه هیئتهای نمایندگی، پیروزی باز هم بیشتری را برای جبهه صلح و سوسیالیسم، برای طبقه کارگر جهان و جنبشهای آزادبخش ملی در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی آرزو میکند.» در همین مقاله شعله جنوب ارزش بزرگی به فعالیت رادیوی پیک ایران در امر پخش مسائل و مطالب مربوط به کنفرانس جهانی داده شده و در این باره مینویسد: «رادیوی پیک ایران ناشر اندیشه های حزب توده ایران از آغاز کار کنفرانس تا پایان آن فعالانه در انعکاس جریان کنفرانس تلاش کرد و بسیار هم موفق بود. رادیوی پیک ایران با حذف برنامه های ویژه خود با سرعت و دقت نظر قسمتهای اساسی نطق هیئتهای نمایندگی، متن کامل سخنرانی برژنف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی و رفیق رضا رادمنش دبیر اول حزب توده ایران و بعد از پایان کنفرانس متن سند اصلی را بگوش خلقهای ایران رساند.»

زندگی تأسف آور در «چرداغها» عنوان مقاله جالبی از «شعله جنوب» است که در آن شرایط کار و زندگی کارگران «چرداغها» (کارگاه های تهیه خرما) در شهر های آبادان، خرمشهر و امواز توصیف شده است. تشکیلات خوزستان حزب توده ایران در پایان مقاله از افکار عمومی خواسته است تا اجرای قانون و مقررات مربوط به کار و بیمه های اجتماع در «چرداغها» را از دولت خواستار شوند.

«آتش یاز امپریالیسم» عنوان مقاله ای است در باره تحریکات دولتهای اسرائیل و ایران علیه کشور های عربی. تشکیل دولت موقت ویتنام جنوبی که پیروزی بزرگ خلق ویتنام است شوق و تحسین مبین پرستان ایران را برانگیخته است. «شعله جنوب» در این باره نوشته است: «ما ضمن پشتیبانی عمیق خود از مبارزه بحق وعادلانه خلق ویتنام علیه امپریالیسم و ارتجاع تشکیل دولت جبهه آزادبخش ویتنام جنوبی را صمیمانه تبریک گفته و کامیابیهای باز هم بیشتری را برای خلق دلاور ویتنام آرزو میکنیم.»

در آخرین شماره «شعله جنوب» به قطع مناسبات بازرگانی با المان دموکراتیک اعتراض شده است. خبر پیروزی کارگران نفت جنوب در مورد افزایش حد اقل دستمزد میزان ۱۴۵ ریال از اخبار جالب «شعله جنوب» است. شمارهای: «نیرو های ملی و مترقی، برای خروج ایران از پیمان سنتو، لغو پیمان نظامی ایران و امریکا، عفو عمومی زندانیان سیاسی و امکان بازگشت مهاجرین سیاسی متحداً مبارزه کنید» و «نان، کار، مدرسه، درمانگاه، آری سرباز خانه، پایگاه نظامی، جت فانوم نه!» در زیر صفحات شعله جنوب بچشم میخورد. ما موفقیت رفقا را در انتشار منظم «شعله جنوب» خواستاریم.

دنباله از صفحه ۱

وارثان مانیفست

شوروی عامل عمده شکست آلمان هیتلری، بنیاد یک آلمان صلحدوست و دموکراتیک و مترقی را در شرق آلمان پایه گذاری کردند. بدین ترتیب بود که در هفتم اکتبر ۱۹۴۹ جمهوری دموکراتیک آلمان بوجود آمد.

جمهوری دموکراتیک آلمان طی بیست سال گذشته راه خود را از میان ویرانه های جدگ و مشکلات عظیم اقتصادی ناشی از آن و تحریکات و توطئه های دائمی امپریالیست های آلمان غربی باز کرده و اینک یک کشور شکوفان مبدل شده است که در ردیف ده کشور صنعتی جهان قرار دارد. ارتقاء روزافزون سطح زندگی مردم، ایجاد یک فرهنگ مترقی و بشر دوستانه، دفاع استوار و پیگیر از صلح و امنیت اروپا و جهان، پشتیبانی از مبارزه خلقهای ستمدیده و جنبش های آزادیبخش ملی، کمک بهتری به کشورهای نو استقلال، پیکار خستگی ناپذیر بر ضد تحریکات، توطئه ها و سیاست تجاوزه کارانه امپریالیسم و قبل از همه امپریالیسم آلمان غربی، همه اینها جمهوری دموکراتیک آلمان را بصورت عامل مهمی برای صلح و امنیت اروپا و در پیکار عمومی مردم جهان بخاطر صلح و ترقی در آورده و به همین جهت مورد پشتیبانی و احترام همه نیروهای دموکراتیک و مترقی در سراسر جهان قرار گرفته است.

راز چنین پیشرفتی در آنستکه طبقه کارگر آلمان برای نخستین بار در شرق آلمان در نتیجه وحدت حزب کمونیست و حزب سوسیال دموکرات اتحاد خود را محکم ساخت و تمام نیرو های دموکراتیک، صلحدوست و مترقی را در یک جبهه ملی برهبری طبقه کارگر متحد کرد و راه ساختمان سوسیالیسم را در پیش گرفت. طبقه کارگر آلمان شرقی و حزب وی بعنوان وارث صدیوار مارکس انگلس بیل و لنینکشت برای نخستین بار در میهن بنیاد گذاران سوسیالیسم علم به اندیشه انقلابی و بشر دوستانه آنها چه عمل پوشانند. با تصویب قانون اساسی سوسیالیستی در سال ۱۹۶۸ که جمهوری دموکراتیک آلمان را دولت سوسیالیستی ملت آلمان اعلام کرده است مرحله جدید ساختمان همه جانبه سوسیالیسم آغاز شده است.

آغاز برسمیت شناخته شدن جمهوری دموکراتیک آلمان از طرف دولتهای غیر سوسیالیستی نشانه آنست که سیاست توسعه طلبانه و انتقام جویانه امپریالیستهای آلمان غربی، که هدف اصلی آن منفرد کردن و از بین بردن جمهوری دموکراتیک آلمان است، هر روز ضربات سنگین تری میخورد و سر انجام محکوم به شکست قطعی است. هم موفقیتهای جمهوری دموکراتیک آلمان و هم شکستهای امپریالیستهای آلمان غربی مؤید این حقیقت است که جمهوری دموکراتیک آلمان برهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان توانسته است موجودیت این کتبه

دنباله در ص

تظاهرات صلح آمیز نیکسون خدعه گرسرابی بیش نیست . مردم قهرمان ویت نام هشیارانه در سنگر مبارزه بی امان و پیگیر تا پیروزی نهائی ایستاده اند . جهان و تاریخ پشتیبان خلق دلاور ویت نام است .

دنباله از صفحه ۱

بیست و پنج سال تکامل آزاد

بلغارستان در نیمه دوم قرن هفتم میلادی بوجود آمد و از همان آغاز در جهت تکامل سریع خود گام نهاد . خط و فرهنگ اسلاو را پایه نهاد و به تعمیم آن پرداخت . در اواخر قرن چهاردهم پس از مقاومت قابل ستایشی که در مقابل ترک های عثمانی از خود نشان داد شکست خورد ، ولی تسلیم نشد . ترک های عثمانی پانصد سال بر این سر زمین حکومت کردند . در این ایام « هایدوت ها » - میهن پرستان بلغاری که برای آزادی و استقلال میهن خود میجنگیدند هرگز آنها را آرام نگذاشتند .

در سال ۱۸۷۸ در نتیجه جنگ ترکیه و عثمانی ارتش روس با دادن ۲۰۰۰۰۰۰ قربانی بلغارستان را آزاد کرد و به بردگی ۵۰۰ ساله شان پایان داد . ولی بلغارها آزادی واقعی خود را کمی دیر تر بدست آوردند .

در سال ۱۹۲۳ در بلغارستان اولین قیام ضد فاشیستی برهبری حزب کمونیست انجام گرفت . رژیم فاشیست خاکسپار در آن زمان شورش مردم را بخون کشید . در ایام اشغال بلغارستان توسط فاشیست های هیتلری در فاصله سالهای ۱۹۴۴ - ۱۹۴۱ حزب کمونیست بلغارستان بار دیگر مردم را به مبارزه مسلحانه دعوت کرد . در سراسر کشور گروه های پارتیزان بوجود آمد . نبرد ضد فاشیسم همه جا درگیر شد . نهضت مقاومت مسلحانه مردم بلغارستان در جریان جنگ علیه فاشیسم قربانیهای فراوان داد و صفحات درخشان در تاریخ مبارزات مردم این کشور گشود . پارتیزانها روز نهم سپتامبر رژیم فاشیستی خاکسپار را برانداختند و تشکیل حکومت خلق را اعلام کردند .

پیروزی انقلاب سوسیالیستی ۱۹۴۴ راه تکامل سریع کشور را گشود . کشور عقب مانده و غارت شده بلغارستان با گامهای مطمئن و با برخورداری از کمکهای بی شائبه اتحاد شوروی گام در راه ترقی و تکامل خود نهاد .

در بیست و پنج سال پس از آزادی بلغارستان جمعیت کشور فقط یک میلیون نفر افزایش یافته است . یعنی از ۷ میلیون به ۸ میلیون نفر رسیده است . ولی محصولات کشاورزی آن دو بار بیشتر گردیده است و امروز محصولات صنعتی ۱۰ روز آن با تمام محصول صنعتی سال ۱۹۳۹ برابر است . جمهوری توده ای بلغارستان قبل از آنکه پای در مرحله جدید زندگی خود بگذارد ذوب آهن نداشت . متالورژی درخشان نمیدانست چیست . صنایع شیمیائی در آن نبود . ولی امروز فرآورده های صنعتی بلغارستان

به ۵ قاره جهان راه گشوده است . بلغارستان به صنایع گسترده شیمیائی ، ذوب آهن ، ماشین سازی و الکتروتکنیک خود میبالد .

در این ایام در کشاورزی بلغارستان نیز تحول شگرف صورت گرفت . سیمای روستا های کوچک ، کثیف و عقب مانده عوض شد . روستاها بصورت شهرهای کوچک و تمیز درآمدند . دهقانان خاکم بر سرنوشت خود شدند . شبکه وسیع فرهنگ و بهداشت در روستاها گسترده شد . ماشین جانشین کار انسان گردید . روستائی بلغاری از ستم مالک و وابستگی طبیعت آزاد گشت . امروز دهکده ای را در بلغارستان نمیتوان یافت که در آن بیمارستان یا مرکز بهداشتی وجود نداشته باشد . ۱۲۵۰۰ پزشک یعنی نزدیک بدو برابر تمام پزشکان ایران در روستا های بلغارستان مشغول بکارند . در هر دهکده آنچه نخستین بار بچشم میخورد مرکز بهداشتی ساختمان مدارس ، سینما ، خانه فرهنگ ، خیابانها و کوچه های تمیز و مردمی شاد ، مهربان و خون گرم است .

نیروی برق دیر زمانی است که تاریکی را از دور ترین روستاهای بلغارستان زدوده است . آب لوله کشی بهمه خانه ها راه یافته است . در ۲۵ سال اخیر بیش از نیمی از خانه های روستائی تجدید بنا شده است . دفتر آمار سازمان ملل متحد سال پیش اعلام کرد : جمهوری توده ای بلغارستان از نظر تعمیم و کیفیت بهداشت کشور های بزرگی مانند آمریکا ، انگلستان و فرانسه را پشت سر نهاده است .

سوسیالیسم در این ایام توانسته است بهداشت و فرهنگ مجانی را تا دور ترین نقاط کشور گسترش دهد . امروز برای هر ۵۷۶ نفر بلغاری یک پزشک وجود دارد . چه تفاوت فاحشی بین این رقم با رقم یک پزشک برای حداقل ۳۰۰۰ نفر در کشور ما بچشم میخورد .

سیستم وسیع آموزشی بلغارستان نیز توجه سازمان فرهنگی با اعتباری مانند یونسکو را جلب کرده است . در سالنامه ۱۹۶۸ یونسکو گفته شده است : بلغارستان در سالهای بعد از جنگ در کمترین مدت ممکن (۵ سال) بیسوادی را در کشور ریشه کن کرده است و امروز از نظر داشتن جوانانی که تحصیلات متوسطه را پایان داده اند با در نظر گرفتن جمعیت خود بیش از ۸۰ هزار دانشجو دارد . دولت بلغارستان انستیتی ویژه ای نیز برای دانشجویان خارجی گشوده است .

سیاست خارجی جمهوری توده ای بلغارستان بر پایه همزیستی مسالمت آمیز ، احترام بحقوق ملتها ، کمک بکشور های در حال رشد و نهضت های ملی قرار گرفته است . کشوری که خود طعم اسارت چشیده ، سالهای دراز اسیر فاشیسم بوده و در مبارزه با آن قربانیهای فراوان داده است از رنج

دنباله از صفحه ۱

شخصیت دکتر مصدق

زبان خود امیربالیستها و عمال آنان از کم و کیف این سازمانهای جهنمی آگاه گردند و با جزئیات بیشتری بشنوند که اکثریت مطلق آنها که سرنوشت این مردم و این کشور را بدست خود گرفته اند ، آنها که شب و روز در باره انقلاب و آزادی و استقلال و ملیت و قومیت داد سخن میدهند ، از « خدایگان شاهنشاه آریا مهر » گرفته تا کسانی که بنام نخست وزیر و وزیر و کیل و امیر و سفیر تمام قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی کشور را در دستهای خود متمرکز کرده اند ، سرشان مانند عروسک خیمه شب بازی به فراماسونی و اینتلیجنت سرویس و سیا و نظائر آن وصل است ، تا هم وسیله تسلط و غارت اربابان را فراهم کنند و هم خود از این خوان یغما سهمی ببرند .

در این میان امیربالیستها و عمال آنان میکوشند بیک تیر دو نشان بزنند : هم رقیب را لو بدهند و هم با ذکر نام برخی از رجال میهن پرست در بین عمال خود آنها را لکه دار کنند و مردم را نسبت به آنان بد بین سازند . قرعه این بار بنام دکتر مصدق افتاده است که وی را عضو سازمان فراماسونی معرفی کنند .

امیربالیستها و شاه و سایر گردانندگان رژیم که نتوانسته اند از علاقه و احترام مردم ایران - علیرغم توطئه سکوت و توهین و اتهام - نسبت به دکتر مصدق بکاهد هر روز نیرنگ تازه ای میزنند تا مگر بشکلی به شخصیت دکتر مصدق لطمه زنند و یا حداقل در باره وی در مردم تردید ایجاد کنند .

تردیدی نیست که زندگی طولانی و اندوه ملت های اسیر بخوبی آگاه است . جمهوری توده ای بلغارستان به خلقهایی که برای آزادی و استقلال خود مبارزه میکنند بیدریغ کمک میکند .

بین حزب ما و حزب کمونیست بلغارستان بهترین مناسبات انترناسیونالیسم پرولتاری وجود دارد . حزب ما سپاسگزار آن گامهای بی شائبه خلق و دولت بلغارستان بملت ایران است .

مقایسه کشوری که در عرض بیست و پنج سال به چنین سطح عالی رشد اقتصادی و فرهنگی رسیده است با کشور ما که ذخائر مادی و انسانی آن چندین برابر این کشور است و چنین منظرة اندوهباری دارد برتری بدون تردید سوسیالیسم و امکانات شگرف آنرا نشان میدهد .

ما بیست و پنج سالگی آزادی بلغارستان را بجزب برادر خود ، حزب کمونیست بلغارستان و مردم دلیر ، پرکار و مهربان این کشور از صمیم قلب تبریک میگوئیم . بگذار سوسیالیسم هر چه بیشتر در بلغارستان شکوفان شود . ا. فروزان

سیاسی د کتر مصدق مانند زندگی هر رجل فعالی از نوع او نمیتواند خالی از اشتباه و نقص باشد . ولی اولا این اشتباه و نقص از زمره آن پدیده هائی است که امکان بروز آن در زندگی شخصیت های سیاسی و اجتماعی ممکن و گاه ناگزیر است و کمترین ارتباطی با عمل آگاهانه افراد طبقات حاکمه ایران برای حفظ منافع غارتگران خود و خدمت به امیرالیسم ندارد . ثانیا تعیین کننده شخصیت یک رجل سیاسی و اجتماعی در محتوی اصلی

زندگی او ، در فعالیت عمومی و عیده اوست . د کتر مصدق در ادوار مختلف زندگی خود و بویژه هنگامیکه در رأس جنبش ملی کردن صنایع نفت ایران قرار گرفت نشان داد که مردی است میهن پرست و در مبارزه بر ضد استعمار و بخاطر استقلال ایران سرسخت ، پیگیر و استوار . در واقع د کتر مصدق در

یک دوران کوتاه ولی طوفانی ، در دورانی که مبارزه ضد امیرالیستی مردم ایران به اوج خود رسیده بود ، مظهر نهضت ملی ایران گردید . علت علاقه و احترام مردم ایران به

د کتر مصدق و کینه و خصومت امیربالیستها و عمال ایرانی آنها به او نیز همین است . و درست بهمین دلیل تلاش امیربالیستها و عمال ایرانی آنها برای لکه دار کردن شخصیت د کتر مصدق ، بجای آنکه جای او را در تاریخ معاصر ایران بعنوان یک رجل ملی و میهن پرست تغییر دهد و از احترام و علاقه مردم نسبت به او بکاهد ، موجب افشاء باز هم بیشتر ماهیت فاسد و تبه کار دشمنان او خواهد شد . ملت ایران مبارزان راه آزادی و استقلال خود را گرامی میدارد و آنگاه که بند های اسارت را برای همیشه بگسلد و حاکم بر سرنوشت خویش گردد ، جای آنها در تاریخ جنبش آزادیبخش ملی ایران مستحکم تر خواهد شد . د کتر مصدق بدون تردید یکی از بزرگترین آنهاست .

م. انوشه

دنباله از صفحه ۴

وارثان مانیفست

عنوان عامل مهم صلح و ترقی در مرکز اروپا به همه نیرو های صلحدوست و مترقی به اثبات رساند .

مردم ایران که پیوند بین رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران و امیربالیست های آلمان غربی را میبینند در وجود جمهوری دموکراتیک آلمان دوست خود را می یابند و به همین جهت بیستین سالگرد جمهوری دموکراتیک آلمان را ب مردم این کشور ، به نخستین دولت سوسیالیستی در آلمان ، و به حزب مارکس ، انگلس ، لنین لیکنشت ، تلن اولبریش صمیمانه تبریک میگویند و موفقیت های بازم بیشتر را برای آنان آرزو مندند .

م. فرزانه

نیروی انقلابی جوانان و دانشجویان را گسترش دهیم و متحد کنیم!

چنانکه خوانندگان گرامی توجه دارند ما بنا بر وظیفه‌ای که در مبارزه بر ضد انواع انحرافات «چپ» و راست در اپوزیسیون ضد رژیم و از جمله در جنبش جوانان و دانشجویان ایرانی بر عهده داریم، تا کنون مقالات متعددی در زمینه بروز پدیده‌های مشخص نگاشته ایم. از جمله در این اواخر در دو مقاله «از انقلابیگری تا ضد انقلاب» و «نه انقلابیگری نه تسلیم» نتایج منفی و زیانبخش دو پدیده انقلابی مآبی و تسلیم طلبی را مورد تحلیل قرار دادیم. در مقاله حاضر پدیده دیگری را که بنوبه خود منفی است مورد بحث قرار می‌دهیم.



بروز پدیده انقلابیگری و تسلیم طلبی در بین جوانان و بویژه دانشجویان گاه موجب برخورد منفی به جنبش و مبارزه جوانان و دانشجویان میشود. بدین معنی که برخی‌ها با تکیه به جنبه‌های منفی انقلابیگری و تسلیم طلبی و زیانهای ناشی از آن **اولا** به جنبش جوانان و دانشجویان کم بها می‌دهند. **ثانیا** با تکیه به جنبه‌های منفی جنبه‌های مثبت مبارزه آنان را در سایه قرار می‌دهند. **ثالثا** روش عناصر و گروههای منحرف را بهمه جنبش تعمیم می‌دهند. چنین برخوردی - که ناشی از عدم درک عمیق علل بروز این پدیده‌ها و راه غلبه بر آنهاست و بیشتر جنبه ذهنی دارد - بنوبه خود زیانهای تازه ای را بیار می‌آورد؛ نیروهای سالم انقلابی بهتر می‌رود و امکان سوء استفاده عناصر ضد انقلابی «چپ» و راست از جنبش جوانان و دانشجویان دوام بیشتری پیدا میکند.

دانشجویان نیروهای انقلابی و پشاهنگ را فقط در برابر وظایف سنگین تر و حساس تری قرار میدهد، بدون اینکه يك لحظه هم آنها را از ارزیابی درست نیروهای بالقوه و بالفعل جوانان و دانشجویان در جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک ملت ایران استفاده صحیح از این نیروها بسود صلح، استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم باز دارد. و این وظایف عبارتست از:

- ۱) کوشش همه جانبه و فعالیت روز افزون برای نفوذ در بین توده‌های هر چه وسیعتری از جوانان و دانشجویان بمنظور تجهیز و تشکل آنان در مبارزه بخاطر تحقق خواسته‌های صنفی و سیاسی.
- ۲) یافتن دقیق ترین، واقع بینانه ترین و مترقی ترین شمارها در هر مرحله مشخص بمنظور ارضاء خواسته‌های صنفی و سیاسی جوانان و دانشجویان.
- ۳) یافتن و تکیه به خواسته‌های مشترک صنفی و سیاسی جوانان و دانشجویان بمنظور متحد ساختن توده‌های هر چه وسیعتری از آنان صرف نظر از عقاید سیاسی و ایدئولوژیک.
- ۴) مبارزه قاطع، اصولی و بی‌گیر و در عین حال متین و خونسردانه با هر گونه انحراف راست و «چپ» بهر شکلی که در آید و تحت هر عنوانی که باشد.
- ۵) کوشش دوستانه، منطقی و صبورانه برای آزاد ساختن آن قشری از جوانان و دانشجویان که با حسن نیت ولی گمراهند، از زیر نفوذ افکار انحرافی «چپ» و راست.
- ۶) کوشش بیکر و روز افزون برای آنکه جنبش جوانان و دانشجویان ایرانی پیوند خود را با نهضت ضد امپریالیستی و دمکراتیک ملت ایران و جنبش کارگری و انقلابی عمیقتر و محکمتر کند و به سطح عالی تری از رشد و آگاهی برسد.

که تظاهر و انعکاس آنرا در تعقیب و حبس و شکنجه و اعدام عده زیادی از جوانان و دانشجویان میتوان دید، مؤید این واقعیت است که جنبش جوانان و دانشجویان همچنان بخش مهم و فعالی از نهضت ضد امپریالیستی و دمکراتیک ملت ایران را تشکیل میدهد. علاقمندی و گرایش روز افزون جوانان و دانشجویان به افکار و آرمانهای سوسیالیستی نشانه آنست که جنبش جوانان و دانشجویان میتوانند به عامل مهمی در جنبش کارگری و انقلابی تبدیل گردد.

اگر از یکطرف انقلابیگری و از طرف دیگر تسلیم طلبی در بین گروههایی از جوانان و بویژه دانشجویان چشم میخورد **اولا** نباید آنرا بحساب مجموعه جنبش گذارد. **ثانیا** باید دانست که منشاء طبقاتی و خصالت جوانی در این انحرافات و نوسانات نقش دارد و بنا بر این تا حدود زیادی بروز آنها طبیعی و جبری است. **ثالثا** نباید منشاء معرفتی بروز این پدیده‌های منفی را که در دنیای کنونی بطور عمده عبارتست از اختلاف در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری، اوج ناسیو-نالیسم و بغرنجی مسائل سیاسی و ایدئولوژیک عصر ما، از نظر دور داشت. **رابعا** فعالیت خرابکارانه و فتنه انگیزانه امپریالیسم را نیز فراموش نباید کرد.

ولی دشواری و بغرنجی مبارزه برای جلب و تجهیز و تشکل جوانان و دانشجویان و مبارزه با کج رویها و انحرافات گوناگون «چپ» و راست در جنبش جوانان و

فقط در چنین صورتی است که میتوان نیروی انقلابی جوانان و دانشجویان را بخاطر تحقق خواسته‌های صنفی و سیاسی آنان گسترش داد و متحد کرد و در جریان مبارزه آنها را به سطح عالیتری در مبارزه ضد امپریالیستی و انقلابی رساند. تنها در اینصورت است که جنبش جوانان و دانشجویان ایرانی خواهد توانست نه فقط به سنت درخشان گذشته تکیه کند، بلکه بر این سنت صفحات درخشانی بیفزاید.

ما تردیدی نداریم که جنبش جوانان و دانشجویان ایرانی علیرغم دشواریها، بغرنجیها و انحرافات که با آن روبرو است این راه پر افتخار را طی خواهد کرد.

«نشریات توده»

- بنا بر تقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند، بدینوسیله مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد. ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند:
- ۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند.
 - ۲) خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند.
 - ۳) خوانندگان گرامی بابت نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمک کنند.
 - ۴) رسید نشریات و مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند.
 - ۵) کتب زیر تمام شده است از تقاضای ارسال آن خود رازی فرمایند:

| نام نشریه | تعداد |
|--------------------------------|---------|
| ماهنامه مردم | ۱۰ ریال |
| مجله دنیا | ۴۰ » |
| مجله مسائل بین المللی | ۲۰ » |
| مانیفست | ۴۰ » |
| سرمایه جزوه ۱ و ۲ و ۳ و ۴ | ۴۰ » |
| انقلاب اکتبر و ایران | ۸۰ » |
| برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی | ۲۰ » |
| اصول فلسفه مارکسیسم | ۲۰ » |
| آخرین دفاع روزبه | ۲۰ » |
| یاد داشتهای فلسفی و اجتماعی | ۴۰ » |
| هیجدهم برومر لویی بناپارت | ۴۰ » |
| خان و دیگران | ۱۰ » |
| یادنامه شهیدان | ۲۰ » |
| رژیم ترور و اختناق | ۱۰ » |
| خیانت او بوطنش | ۲۰ » |
| توده ایها در دادگاه نظامی | ۲۰ » |

Sweden
Stockholm,
Stockholms Sparbank
شماره حساب بانکی
C-1265-5
Dr. John Takman



چند ایرانیون معروفین بخصوص سلیمان معینی المشهور با لقب «فائق»

سلیمان معینی (فائق) وبرا- درش عبدالله معینی وعده دیگری از یاران آنها پس از مبارزه قهرمانانه برای آرمانهای مردم بشهادت رسیده اند. این عکس حنازه سلیمان معینی (فائق) که در خیمتان شاه آن را برای عبرت دیگران به عرض نمایش گذارده اند.

نشان میدهد. درود بخاطر ره دلاورانیکه در گردستان بشهادت رسیده اند!